

# مفسران حقوقی مادیان هزار دادستان

نادیا حاجی‌پور<sup>۱</sup>

## چکیده

مادیان هزار دادستان یا کتاب هزار داوری، رساله‌ای درباره حقوق دوره ساسانی و به زبان فارسی میانه است. این مجموعه در پایان دوره ساسانی یعنی نیمه نخست قرن هفتم میلادی نوشته شده است و قوانینی که در آن مطرح می‌شود متعلق به دوره پیش از اسلام است. نام بیش از ۵۰ مفسر در این متن آمده است که از میان آنها ۴ موید، ۴ مویدان موید و ۴۷ حقوقدان بودند. نام برخی از این مفسران را که فتوهای بسیاری از آنها نقل می‌شود، می‌توان در میان مفسران اوستا نیز مشاهده کرد. با توجه به تعداد زیاد مفسران حقوقی که در کتاب از آنها نام برده شده است، این سوال پیش می‌آید که آیا این موضوع می‌تواند دلیلی باشد بر این نکته که نهاد حقوقی در دوره ساسانی تشکیل شده بود و حقوقدانان در آن به حل مسائل حقوقی مراجعه‌کنندگان می‌پرداختند. حضور این تعداد از حقوقدانان برجسته و آگاه به مسائل حقوقی و قضایی در منطقه پارس، ممکن است بیانگر تشکیل شدن این نهاد حقوقی در زمان خسرو پرویز یعنی زمان تدوین مادیان هزار دادستان باشد که این حقوقدانان خبره، در آن مشغول به حل مشکلات حقوقی و رسیدگی به امور قضایی مردم بودند.

واژه‌های کلیدی: مادیان هزار دادستان، فارسی میانه، مفسر، حقوقدان، نهاد حقوقی

## ۱- مقدمه

مادیان هزار دادستان یا کتاب هزار داوری، رساله‌ای درباره حقوق دوره ساسانی و به زبان فارسی میانه است. احتمالاً در این دوره چند رساله درباره حقوق وجود داشته که از میان آنها تنها مادیان باقی مانده است. به چند دلیل نگارش این مجموعه در پایان دوره ساسانی یعنی نیمه نخست قرن هفتم میلادی صورت گرفته و قوانینی که در آن مطرح می‌شود متعلق به دوره پیش از اسلام است. نخست اینکه آخرین پادشاهی که در کتاب از او نام برده شده، خسرو پرویز (۵۹۱-۶۲۸) است و مؤلف کتاب، فرخ‌مرد بهرامان، احتمالاً در زمان این پادشاه، یعنی نیمه نخست قرن هفتم می‌زیسته و کتاب را در همان موقع، یعنی در دوره ساسانی و پیش از اسلام، گردآوری کرده است. دوم اینکه در این کتاب از مسائلی که

<sup>۱</sup> - پژوهشگر (دکتری) فرهنگ و زبان‌های باستانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

زردشتیان در قرون اولیه اسلامی با آن مواجه بودند، سخنی گفته نمی‌شود<sup>۱</sup>، با توجه به این مسئله می‌توان اطمینان داشت که گردآوری کتاب پیش از اسلام انجام شده است. دلیل دیگر اینکه، مسائل مطرح‌شده در کتاب شامل مسائل پیچیده و بسیار مشکل آن دوره است و داورانی که به بررسی آنها می‌پرداختند شایستگی و آگاهی کامل به آن مسائل را داشتند؛ در صورتی که در رساله‌های پهلوی دوره اسلامی، موضوعات حقوقی محدودتر مطرح می‌شود و در آنها بیشتر به مسائلی چون قانون ارث و خانواده که در جامعه زردشتی پس از اسلام وجود داشت، پرداخته شده است. با توجه به آنچه گفته شد، بدون شک محتوای *مادیان هزار دادستان* کاملاً ساسانی است، پیش از اسلام نگارش یافته و تحت تاثیر سیر تکاملی قوانین حقوقی دوره اسلامی قرار نگرفته است (تفضلی، ۱۳۷۸: ۲۸۶-۲۸۷؛ ماتسوخ<sup>۲</sup>، ۲۰۰۵).

از این متن تنها یک نسخه باقی مانده و همانطور که ماتسوخ (۲۰۰۵) می‌گوید از چند جهت حائز اهمیت است. نخست اینکه تنها کتابی است که شامل مسائل حقوقی و قضایی در فقه ایران پیش از اسلام است که از دوره دین زردشتی باقی مانده است، دوم اینکه یکی از منابع بسیار مهم برای پژوهش در تاریخ اجتماعی و نهادهای قضایی ایران ساسانی است و دیگر اینکه، در منابع موجود پهلوی که درباره قوانین دین زردشتی در دوران ساسانی نوشته شده، مسائل حقوقی و مذهبی با هم ترکیب شده است در صورتی که این کتاب به طور کامل بر مسائل حقوقی تمرکز دارد.

قوانین حقوقی در این کتاب به صورت مسائل حقوقی مطرح می‌شود و پاسخ به آنها بر اساس روایات نقل‌شده و فتوایی است که همه از مفسران بنام دینی و حقوقی است و از قوانین دین زردشتی منشأ گرفته است. نام بیش از ۵۰ مفسر در این متن آمده است که از میان آنها ۴ موبد، ۴ موبدان موبد و ۴۷ حقوقدان بودند. نام برخی از این مفسران را که فتوای بسیاری از آنها نقل می‌شود، می‌توان در میان مفسران اوستا نیز مشاهده کرد. برخی از آنها مانند سوشیانس، مردگ، میدیوماه، ابرگ، علاوه بر تفسیر متون دینی و نسک‌های غیر حقوقی، مفسر متون حقوقی نیز بودند. اما نام‌هایی نیز در متن آمده است که برای نخستین بار از آنها یاد و آرا و احکام مختلف حقوقی از آنها نقل شده است (ماتسوخ، ۲۰۰۵).

مؤلف کتاب، فرخ مرد بهرامان، خود یکی از مفسران است. وی خود را در مقدمه کتاب معرفی می‌کند، اما چون متن بعد از نام او دچار افتادگی شده است چیزی از زندگی و زمان زندگی او در دست نیست<sup>۳</sup>؛ با این حال از محتوای این کتاب قانون و اصطلاحات حقوقی آن استنباط می‌شود که او باید

<sup>۱</sup> - کتاب‌های *روایات امید آسوهستان* و *دادستان دینی* و *روایات فرنیخ سروش* نیز به مسائل حقوقی پرداخته‌اند ولی در آنها به مسائلی که زردشتیان در قرون اولیه اسلامی با آن مواجه شدند نیز پرداخته شده است. کتاب *مادیان هزار دادستان* تنها منعکس‌کننده مسائل حقوقی زردشتیان در دوره ساسانی یعنی پیش از اسلام است (تفضلی، ۱۳۷۸: ۲۸۶-۲۸۷).

<sup>۲</sup> - Macuch, M.

۳. مُدی: ۱۷/۸۰

حقوقدان و کاملاً با اصطلاحات فنی حقوقی آشنا بوده باشد و علاوه بر این به اسناد دادگاه نیز دسترسی داشته است<sup>۱</sup> (تفضلی، همان: ۲۸۶؛ ماتسوخ، همان).

هر چند در دوره باستان همواره قانون و مذهب با هم مطرح بود و هیچگاه از هم مستقل نبودند بررسی مادیان این تصور را به وجود می‌آورد که ایجاد سازمان مستقل حقوقی لازم به نظر می‌رسید و به قول ماتسوخ (۲۰۰۵) احتمالاً تفکر ایجاد این نهاد در جامعه آن روز شکل گرفته بود. یکی از موضوعاتی که در مادیان هزار دادستان به نظر مهم و جالب توجه می‌رسد، نام بردن مفسران بسیار در آن به همراه فتواهای آنها است. نام مفسرانی که در مادیان آمده برخی با عنوان موبدان موبد، موبد، رد و مغان اندرزبند هستند و نام برخی بدون عنوان در متن آمده که با توجه به احکام و فتوایی که از آنها نقل شده، مسلم است که همه متخصص و صاحب‌نظر در مسائل حقوقی بوده‌اند. با توجه به تعداد زیاد مفسران حقوقی که در کتاب از آنها نام برده شده است، این سوال پیش می‌آید که آیا این موضوع می‌تواند دلیلی باشد بر این نکته که نهاد حقوقی در دوره ساسانی تشکیل شده بود و حقوقدانان در آن به بررسی و حل مسائل حقوقی مراجعه‌کنندگان می‌پرداختند. در این راستا تلاش شد تا در این پژوهش نام همه مفسرانی که در مادیان هزار دادستان آمده است، استخراج و به موضوع فتوای آنها اشاره شود. نام مفسران در دو بخش موبدان و مفسران حقوقی، بررسی شده است و اگر نام مفسری در دیگر متون پهلوی آمده باشد در این گزارش به صورت یادداشت به آن اشاره شده است<sup>۲</sup>. البته لازم به یادآوری است، مفسرانی که نام آنها در مادیان هزار دادستان آمده و مفسران هم‌نام آنها در دیگر کتب پهلوی، ممکن است دو شخصیت جدا و متفاوت باشند اما در این پژوهش به دلیل هم‌نامی به آنها اشاره شده است.

تاکنون چندین ترجمه از مادیان هزار دادستان انجام شده است<sup>۳</sup>. در میان این ترجمه‌ها، تنها پریخانیان در ترجمه خود از مادیان، در نمایه کتاب به نام مفسران و عنوان آنها اشاره کرده است (پریخانیان، ۱۹۹۷: ۴۱۶-۴۱۸). همچنین کریستن‌سن در کتاب *ایران در زمان ساسانیان* به نام و عنوان تعدادی از مفسران و موبدان اشاره کرده است (کریستن‌سن، ۱۳۵۱: ۷۵-۷۶ و ۱۳۸).<sup>۴</sup> جمع‌آوری نام مفسران مادیان به همراه موضوع فتوای آنها کاری است که برای نخستین بار در این پژوهش انجام

<sup>۱</sup> - محل اقامت او احتمالاً در شهر گور، در استان اردشیر خوره بوده یعنی جایی که اسناد دادگاه، بایگانی می‌شده است. شاید هم فرخ‌مرد به منظور گردآوری مادیان به این شهر نقل مکان و در آن زندگی می‌کرده است (پریخانیان، ۱۹۹۷: ۱۲).

<sup>۲</sup> - خوانش نام مفسران بر اساس قرائت پریخانیان است (همان: ۴۱۶-۴۱۸). ولی آوانویسی آن به شیوه مکنزی است.

<sup>۳</sup> - ترجمه‌های کامل مادیان هزار دادستان از آغاز تاکنون عبارتند از: پریخانیان، ۱۹۷۳، ۱۹۹۷؛ ماتسوخ، ۱۹۸۱، ۱۹۹۳؛ بولسارا، ۱۹۳۷؛ عربان، ۱۳۹۱. از مادیان هزار دادستان دو رونوشت باقی مانده است: ۱- رونوشتی که متعلق به کتابخانه هاتاریا است، ۱۱۰ صفحه دارد و مودی در سال ۱۹۰۱ آن را چاپ کرده است (مدی، ۱۹۰۱)؛ ۲- رونوشت انکلساریا که ۴۰ صفحه است و مودی آن را به همراه مقدمه‌ای در سال ۱۹۱۲ به چاپ رساند (انکلساریا، ۱۹۱۲).

<sup>۴</sup> - برای عنوان‌های ذکرشده در این پژوهش، علاوه بر آنچه در مادیان هزار دادستان آمده، منحصراً از این دو کتاب نیز استفاده شده است، به همین دلیل برای هر یک از عناوین، به منبع آن اشاره نشده است.

می‌شود. پژوهش درباره مفسران *مادیان هزار دادستان* و آراء حقوقی آنها به منظور بررسی وجود نهاد قضایی و حقوقی در دوره ساسانی هدفی است که این پژوهش دنبال می‌شود.

## ۲- موبدان

### ۲-۱- موبدان موبد

#### ۲-۱-۱- آذر باد زردشتان (*ādurbād ī zarduštān*)

آذرباد پسر زردشت، موبدان موبد زمان ساسانی و معاصر با یزدگرد دوم است.<sup>۱</sup> نام او ۶ بار در متن *مادیان هزار دادستان* آمده است و فقط یک بار با عنوان موبدان موبد نامیده شده است. ۲ بار نام او کامل و به همراه نام پدرش زردشت آمده (انکلساریا: ۳/۳۶، ۱۰/۳۸) و ۴ بار دیگر فقط به صورت آذرباد، نام او برده شده است (انکلساریا: ۴/۳۶ و ۷ و ۸ و ۱۱) ولی از پیوستگی مطالب آشکار است که از او سخن می‌رود (انکلساریا: ۴/۳۶). در متن تنها به توصیه او درباره «سالاری آتشکده» اشاره شده است.<sup>۲</sup>

#### ۲-۱-۲- آذر باد مردبودان (*ādurbād ī mardbūdān*)

آذرباد پسر مردبود<sup>۳</sup>، موبدان موبد بود و یک بار نام او در متن آمده است (انکلساریا: ۶/۳۶). او پس از آذرباد زردشتان می‌زیسته زیرا بر اساس متن وی برای شادی روان آذرباد زردشتان آتشکده‌ای را برپا کرده بود. در متن فتوایی از او نقل نشده است.<sup>۴</sup>

### ۲-۱-۳- مرد بود (*mardbūd*)

موبدان موبد زمان پیروز شاهنشاه ساسانی است، نام او یک بار در متن آمده است (انکلساریا: ۱۶/۳۹).<sup>۵</sup> فتوایی از او نقل نشده، فقط اشاره شده که در موضوعی پیروز شاه با او مشورت کرده است.

<sup>۱</sup> نام او در *شایسته ناشایسته* (۱۰/۸) به صورت آذرباد زردشتان آمده است. بر اساس این بند وی شاگردی را برای پذیرش پتت گماشته بود ولی چون شاگرد، راز توبه‌کننده را فاش کرد، او را از این کار محروم کرد (مزدپور، ۱۳۹۰: ۹۸؛ داور، ۱۹۱۲: ۳۹). در متون پهلوی در قطعه‌ای نام او آمده و به ۹۰ سال موبدان موبدی او اشاره شده است (جاماسب آسانا، ۱۸۹۷-۱۹۱۳: ۸۱). در دینکرد ششم نام او آمده و چند اندرز از او نقل شده ولی به موبدان موبدی او اشاره نشده است (میرفخرایی، ۱۳۹۲: ۲۳۶؛ مَنَن، ۱۹۱۱: ۵۷۳).

<sup>۲</sup> Anklesaria. T. D.

<sup>۳</sup> آذرباد در وصیت‌نامه خود آورده: «سالاری آتشکده باید به آن فرزند من برسد که پرهیزکارتر است».

<sup>۴</sup> برای مردبود رجوع شود به ۱-۳

<sup>۵</sup> بر اساس متن، زمانی که آذرباد زردشتان وصیت کرد، سالاری آتشکده به فرزند پرهیزکارتر او برسد، آذرباد مردبودان، دادخوش را که هم خواهر و هم زن آذرباد بود برای این کار انتخاب کرد.

<sup>۶</sup> مفسری با این نام در *شایسته ناشایسته* (۸۶/۲) آمده (مزدپور، ۱۳۹۰: ۳۲) و همچنین در *هیربیدستان* (۱۱/۲) این نام آمده است (کوتوال و کرینبروک، ۱۹۹۲: ۳۲). در *نیرنگستان*، فرگرد دوم (۱۵/۳۰) و (۲۱/۴۰)، از مفسری با نام مردبود دادجوان (*mardbūd ī dādjuwān*) یاد شده و به چاشته او اشاره شده است (کوتوال و کرینبروک، ۲۰۰۳: ۱۳۶ و ۱۷۸). در کتاب *نامه‌های خاص در کتیبه‌های ساسانی* از چندین نفر با این عنوان نام برده شده که موبد و دارای جام نقره‌ای یا مهر بودند؛ از جمله مردبود پسر آزادمرد، مردبود پسر آذراورمزد و ... (برای آگاهی بیشتر رجوع کنید به ژینیو، ۱۹۸۶: ۱۱۷-۱۱۸).

## ۲-۱-۴-وه شاپور (weh šābuhr)

موبدان موبد اردشیرخوره بود(ژینیو<sup>۱</sup>، ۱۹۸۶: ۱۸۱)؛ وی در زمان خسرو انوشیروان اوستا را مدون کرد. نام او ۵ بار در متن مادیان هزار دادستان آمده است؛ دو بار با لقب موبدان موبد (انکلساریا: ۷/۳۴، ۴/۳۹) و سه بار بدون این عنوان نامیده شده است (انکلساریا: ۱۳/۱۴، ۱۵/۳۵، ۱۷/۳۶)<sup>۲</sup>. زمان زندگانی او پس از سه موبدان موبد نام‌برده در بالا بوده است. فتوای او در سه موضوع «ستوری، امور بردگان و تنظیم پرونده دقیق در مورد فرد مرگ‌ارزان» است.

## ۲-۲- موبد

### ۲-۲-۱- بُرزگ (burzag)

موبد اردشیرخوره در زمان خسرو انوشیروان بود. نام او ۳ بار در متن آمده که در هر سه با عنوان موبد نامیده شده است (مُدی<sup>۳</sup>: ۶/۹۷، ۴/۱۰۰، انکلساریا: ۹/۳۷). ۲ بار در متن تصریح شده که موبد اردشیرخوره بوده است. فتوای او در موضوع «سالاری آتش، تادیبه بدهی و برده‌ای که مرتکب قتل شده» است.

### ۲-۲-۲- زردشت (zardušt)

نام او یک بار با عنوان موبد بیشاپور آمده است<sup>۴</sup>. وی در زمان خود از «اموال آتشکده» رونوشت تهیه کرده بود و این کار او دلیلی شد تا در دوره‌های بعد، داوران ملزم به تهیه رونوشت از اسناد دادگاه شوند (مُدی: ۴/۹۳).

### ۲-۲-۳- فره زردشت (frēh-zardušt)

موبد شهر اورمزد اردشیر، نام او یک بار در متن آمده است (مُدی: ۸/۱۰۰). فتوای او درباره «لزوم تنظیم پرسش‌نامه<sup>۵</sup> در مراحل دادرسی» است.

<sup>۱</sup> - Gignoux, P.

<sup>۲</sup> - نام وه شاپور در روایت پهلوی در فصل درون و میزد و گوشودا (۵۸) بند ۳۸ و ۶۱ آمده که درباره این مراسم مذهبی فتوا داده است (میرفخرایی، ۱۳۹۰: ۳۴۱، ۳۴۵). در نیرنگستان، فرگرد نخست، فصل‌های ۴۴/۱۰، ۱۴/۱۳، ۸/۱۹ و ۱۱ نام این مفسر آمده و احکامی درباره درون، شنومن و ... از وی نقل شده است (کوتوال و کرینبروک، ۱۹۹۵: ۷۴، ۹۲، ۱۱۲ و ۱۱۴).

<sup>۳</sup> - Modi, J. J.

<sup>۴</sup> - در کتاب نام‌های خاص در کتیبه‌های ساسانی صاحب مهری با این نام دیده می‌شود که پدر موبدی به نام ماهوه بوده است (ژینیو، ۱۹۸۶: ۱۹۴).

<sup>۵</sup> - pursišn-nāmag: در جلسات دادگاه تحقیقات و بازجویی که از خواهان و خوانده می‌شد به صورت مکتوب درمی‌آمد سندی که در آن مراحل دادرسی ثبت و به امضا و مهر طرفین دعوا می‌رسید، پرسش‌نامه می‌گفتند. در این سند تمام مراحل دادرسی ثبت می‌شد و چیزی از قلم نمی‌افتاد(شکی، ۲۰۰۹: ۱۷۸).

### ۲-۲-۴ - ماه‌آذر فره‌گشنسب (māh-ādur frēh guānashb)

موبد اردشیر خوره است؛ نام او ۳ بار در متن آمده، یک بار با عنوان موبد اردشیر خوره (مُدی: ۷/۹۹) و ۲ بار بدون عنوان موبد (مُدی: ۱۷/۹۵) آمده است.<sup>۱</sup> وی درباره شرایط «تایید مهر نامه» فتوا داده است.

### ۳- مفسران حقوقی

#### ۳-۱- آذر بزرگ (ādurbarzgar)

نام او یک بار در *مادیان هزار دادستان* آمده است (مُدی: ۳/۵۷). حقوقدانی بهرام نام با عنوان استاد از وی یاد می‌کند و فتوای او را درباره «پایندانی (= ضمانت)» بیان می‌کند.

#### ۳-۲- آذر بوزید (ādur-bōzīd)

آذر بوزید از شخصیت‌های دوره ساسانی است. نام او یک بار در متن به همراه هوداد، فرنیخ و آذرباد زردشتان آمده است (انکلساریا: ۱۰/۳۸).<sup>۲</sup> از او فتوایی نقل نشده است.

#### ۳-۳- آذر اورمزد (ādur-ohrmazd)

نام این مفسر یک بار در متن آمده و برای او عنوانی ذکر نشده است. وی فتوایی درباره «تناقض‌گویی» (waštāg-saxwanīh) داده است؛ فرخ مرد بهرامان نویسنده *مادیان هزار دادستان* فتوای او را قابل استناد نمی‌داند (مُدی: ۲/۹).<sup>۳</sup>

#### ۳-۴- ابرگ (abarag)

ابریک نام روحانی دانشمندی است که بسیاری از تفسیرهای وندیداد از زبان او نقل می‌شود (یوستی، ۱۹۶۳: ۱۹). نام او ۶ بار در این متن آمده است. ۵ بار فتوایی از او نقل شده (مُدی: ۱۴/۵).

<sup>۱</sup> - در هیریدستان (۱۱/۲)، از مفسری با نام ماه‌آذر (māh-ādur) در کنار مفسرانی چون ابرگ، مردبود، گشنسب و سوشیانس نام برده شده است (کوتوال و کرینبروک، ۱۹۹۲: ۳۲).

<sup>۲</sup> - در *کتیبه‌های ساسانی* سه شخص با این نام دیده می‌شوند که موبد بوده‌اند (ژینیو، ۱۹۸۶: ۳۲). در *دینکرد* شش نام او در کنار آذرفرنیخ و هوداد آمده است (میرفخرایی، ۱۳۹۲: ۲۳۶؛ مین، ۱۹۱۱: ۵۷۳-۵۷۴). در *نامه‌های منوچهر* از موبدان موبدی با عنوان آذربوزید نام برده شده است (میرفخرایی، ۱۳۹۲: ۳۲۲).

<sup>۳</sup> - در *شایست ناشایست* (۲/۱ و ۳)، از چاشته او که درباره گناه و تاوان آن است، سخن گفته شده است (مزداپور، ۱۳۹۰: ۲؛ داور، ۱۹۱۲: ۱-۲). در *نیرنگستان*،

فرگرد نخست (۵/۲۲) از مفسری با نام هوداد پسر آذراورمزد (wehdād ādur-ōhrmazd) نام برده شده و از وی فتوایی نقل شده است (کوتوال و کرینبروک، ۱۹۹۵: ۱۲۴). در *روایات داراب هرمزدیار* نام آذراورمزد آمده است که دین دستور آذربایجان بوده است. وی از جمله بزرگانی بود که در هنگام ظهور مزدک از سوی خسرو انوشیروان خوانده شد تا با مزدک مناظره کند (داراب هرمزدیار: ۸۶-۸۷). البته این نام در *زند بهمن یسن* (۲/۲) داداورمزد آمده است (راشد محصل، ۱۳۸۵: ۲؛ آنکلساریا، ۱۹۵۷: ۵). در *کتاب نام‌های خاص در کتیبه‌های ساسانی* نام چندین موبد با این نام آمده است که دارای مهر بوده‌اند از جمله آذراورمزد پسر دادگشنسب و آذراورمزد پسر موبدی به نام مردبود (ژینیو، ۱۹۸۶: ۳۸).

<sup>۴</sup> - نام ابرگ در *روایت پهلوی*، فصل درون و میز و گوشودا (۵۸ / ۲ و ۲۲)، به صورت ابریگ (abarīg) و در بندهای ۳۸، ۵۲ و ۷۱ به صورت ابرگ آمده است (میرفخرایی، ۱۳۹۰: ۳۳۵، ۳۳۸، ۳۴۱، ۳۴۳، ۳۴۶؛ دایار، ۱۹۱۳: ۱۷۱، ۱۷۶، ۱۷۹، ۱۸۲، ۱۷۸). در *زند وندیداد* این نام ۲۰ بار آمده و تفسیرهایی از او در *فرگردهای* ۱۴/۳، ۱۴/۴، ۱۹/۴، ۱۹/۵، ۱۹/۶، ۱۹/۷، ۱۹/۸، ۱۹/۹، ۱۹/۱۰، ۱۹/۱۱، ۱۹/۱۲، ۱۹/۱۳، ۱۹/۱۴، ۱۹/۱۵، ۱۹/۱۶، ۱۹/۱۷، ۱۹/۱۸، ۱۹/۱۹، ۱۹/۲۰ نقل شده است (کاپادیا، ۱۹۵۳: ۲۹۶؛ جاماسب، ۱۹۰۷: ۱۱؛ II: ۹). در *شایست ناشایست* نیز نام این مفسر بسیار آمده و از او و چاشته او در *فصل‌های* ۳/۱، ۳/۲، ۳/۳، ۳/۴، ۳/۵، ۳/۶، ۳/۷، ۳/۸، ۳/۹، ۳/۱۰، ۳/۱۱، ۳/۱۲، ۳/۱۳، ۳/۱۴، ۳/۱۵، ۳/۱۶، ۳/۱۷، ۳/۱۸، ۳/۱۹، ۳/۲۰، ۳/۲۱، ۳/۲۲، ۳/۲۳، ۳/۲۴، ۳/۲۵، ۳/۲۶، ۳/۲۷، ۳/۲۸، ۳/۲۹، ۳/۳۰، ۳/۳۱، ۳/۳۲، ۳/۳۳، ۳/۳۴، ۳/۳۵، ۳/۳۶، ۳/۳۷، ۳/۳۸، ۳/۳۹، ۳/۴۰، ۳/۴۱، ۳/۴۲، ۳/۴۳، ۳/۴۴، ۳/۴۵، ۳/۴۶، ۳/۴۷، ۳/۴۸، ۳/۴۹، ۳/۵۰، ۳/۵۱، ۳/۵۲، ۳/۵۳، ۳/۵۴، ۳/۵۵، ۳/۵۶، ۳/۵۷، ۳/۵۸، ۳/۵۹، ۳/۶۰، ۳/۶۱، ۳/۶۲، ۳/۶۳، ۳/۶۴، ۳/۶۵، ۳/۶۶، ۳/۶۷، ۳/۶۸، ۳/۶۹، ۳/۷۰، ۳/۷۱، ۳/۷۲، ۳/۷۳، ۳/۷۴، ۳/۷۵، ۳/۷۶، ۳/۷۷، ۳/۷۸، ۳/۷۹، ۳/۸۰، ۳/۸۱، ۳/۸۲، ۳/۸۳، ۳/۸۴، ۳/۸۵، ۳/۸۶، ۳/۸۷، ۳/۸۸، ۳/۸۹، ۳/۹۰، ۳/۹۱، ۳/۹۲، ۳/۹۳، ۳/۹۴، ۳/۹۵، ۳/۹۶، ۳/۹۷، ۳/۹۸، ۳/۹۹، ۳/۱۰۰، ۳/۱۰۱، ۳/۱۰۲، ۳/۱۰۳، ۳/۱۰۴، ۳/۱۰۵، ۳/۱۰۶، ۳/۱۰۷، ۳/۱۰۸، ۳/۱۰۹، ۳/۱۱۰، ۳/۱۱۱، ۳/۱۱۲، ۳/۱۱۳، ۳/۱۱۴، ۳/۱۱۵، ۳/۱۱۶، ۳/۱۱۷، ۳/۱۱۸، ۳/۱۱۹، ۳/۱۲۰، ۳/۱۲۱، ۳/۱۲۲، ۳/۱۲۳، ۳/۱۲۴، ۳/۱۲۵، ۳/۱۲۶، ۳/۱۲۷، ۳/۱۲۸، ۳/۱۲۹، ۳/۱۳۰، ۳/۱۳۱، ۳/۱۳۲، ۳/۱۳۳، ۳/۱۳۴، ۳/۱۳۵، ۳/۱۳۶، ۳/۱۳۷، ۳/۱۳۸، ۳/۱۳۹، ۳/۱۴۰، ۳/۱۴۱، ۳/۱۴۲، ۳/۱۴۳، ۳/۱۴۴، ۳/۱۴۵، ۳/۱۴۶، ۳/۱۴۷، ۳/۱۴۸، ۳/۱۴۹، ۳/۱۵۰، ۳/۱۵۱، ۳/۱۵۲، ۳/۱۵۳، ۳/۱۵۴، ۳/۱۵۵، ۳/۱۵۶، ۳/۱۵۷، ۳/۱۵۸، ۳/۱۵۹، ۳/۱۶۰، ۳/۱۶۱، ۳/۱۶۲، ۳/۱۶۳، ۳/۱۶۴، ۳/۱۶۵، ۳/۱۶۶، ۳/۱۶۷، ۳/۱۶۸، ۳/۱۶۹، ۳/۱۷۰، ۳/۱۷۱، ۳/۱۷۲، ۳/۱۷۳، ۳/۱۷۴، ۳/۱۷۵، ۳/۱۷۶، ۳/۱۷۷، ۳/۱۷۸، ۳/۱۷۹، ۳/۱۸۰، ۳/۱۸۱، ۳/۱۸۲، ۳/۱۸۳، ۳/۱۸۴، ۳/۱۸۵، ۳/۱۸۶، ۳/۱۸۷، ۳/۱۸۸، ۳/۱۸۹، ۳/۱۹۰، ۳/۱۹۱، ۳/۱۹۲، ۳/۱۹۳، ۳/۱۹۴، ۳/۱۹۵، ۳/۱۹۶، ۳/۱۹۷، ۳/۱۹۸، ۳/۱۹۹، ۳/۲۰۰، ۳/۲۰۱، ۳/۲۰۲، ۳/۲۰۳، ۳/۲۰۴، ۳/۲۰۵، ۳/۲۰۶، ۳/۲۰۷، ۳/۲۰۸، ۳/۲۰۹، ۳/۲۱۰، ۳/۲۱۱، ۳/۲۱۲، ۳/۲۱۳، ۳/۲۱۴، ۳/۲۱۵، ۳/۲۱۶، ۳/۲۱۷، ۳/۲۱۸، ۳/۲۱۹، ۳/۲۲۰، ۳/۲۲۱، ۳/۲۲۲، ۳/۲۲۳، ۳/۲۲۴، ۳/۲۲۵، ۳/۲۲۶، ۳/۲۲۷، ۳/۲۲۸، ۳/۲۲۹، ۳/۲۳۰، ۳/۲۳۱، ۳/۲۳۲، ۳/۲۳۳، ۳/۲۳۴، ۳/۲۳۵، ۳/۲۳۶، ۳/۲۳۷، ۳/۲۳۸، ۳/۲۳۹، ۳/۲۴۰، ۳/۲۴۱، ۳/۲۴۲، ۳/۲۴۳، ۳/۲۴۴، ۳/۲۴۵، ۳/۲۴۶، ۳/۲۴۷، ۳/۲۴۸، ۳/۲۴۹، ۳/۲۵۰، ۳/۲۵۱، ۳/۲۵۲، ۳/۲۵۳، ۳/۲۵۴، ۳/۲۵۵، ۳/۲۵۶، ۳/۲۵۷، ۳/۲۵۸، ۳/۲۵۹، ۳/۲۶۰، ۳/۲۶۱، ۳/۲۶۲، ۳/۲۶۳، ۳/۲۶۴، ۳/۲۶۵، ۳/۲۶۶، ۳/۲۶۷، ۳/۲۶۸، ۳/۲۶۹، ۳/۲۷۰، ۳/۲۷۱، ۳/۲۷۲، ۳/۲۷۳، ۳/۲۷۴، ۳/۲۷۵، ۳/۲۷۶، ۳/۲۷۷، ۳/۲۷۸، ۳/۲۷۹، ۳/۲۸۰، ۳/۲۸۱، ۳/۲۸۲، ۳/۲۸۳، ۳/۲۸۴، ۳/۲۸۵، ۳/۲۸۶، ۳/۲۸۷، ۳/۲۸۸، ۳/۲۸۹، ۳/۲۹۰، ۳/۲۹۱، ۳/۲۹۲، ۳/۲۹۳، ۳/۲۹۴، ۳/۲۹۵، ۳/۲۹۶، ۳/۲۹۷، ۳/۲۹۸، ۳/۲۹۹، ۳/۳۰۰، ۳/۳۰۱، ۳/۳۰۲، ۳/۳۰۳، ۳/۳۰۴، ۳/۳۰۵، ۳/۳۰۶، ۳/۳۰۷، ۳/۳۰۸، ۳/۳۰۹، ۳/۳۱۰، ۳/۳۱۱، ۳/۳۱۲، ۳/۳۱۳، ۳/۳۱۴، ۳/۳۱۵، ۳/۳۱۶، ۳/۳۱۷، ۳/۳۱۸، ۳/۳۱۹، ۳/۳۲۰، ۳/۳۲۱، ۳/۳۲۲، ۳/۳۲۳، ۳/۳۲۴، ۳/۳۲۵، ۳/۳۲۶، ۳/۳۲۷، ۳/۳۲۸، ۳/۳۲۹، ۳/۳۳۰، ۳/۳۳۱، ۳/۳۳۲، ۳/۳۳۳، ۳/۳۳۴، ۳/۳۳۵، ۳/۳۳۶، ۳/۳۳۷، ۳/۳۳۸، ۳/۳۳۹، ۳/۳۴۰، ۳/۳۴۱، ۳/۳۴۲، ۳/۳۴۳، ۳/۳۴۴، ۳/۳۴۵، ۳/۳۴۶، ۳/۳۴۷، ۳/۳۴۸، ۳/۳۴۹، ۳/۳۵۰، ۳/۳۵۱، ۳/۳۵۲، ۳/۳۵۳، ۳/۳۵۴، ۳/۳۵۵، ۳/۳۵۶، ۳/۳۵۷، ۳/۳۵۸، ۳/۳۵۹، ۳/۳۶۰، ۳/۳۶۱، ۳/۳۶۲، ۳/۳۶۳، ۳/۳۶۴، ۳/۳۶۵، ۳/۳۶۶، ۳/۳۶۷، ۳/۳۶۸، ۳/۳۶۹، ۳/۳۷۰، ۳/۳۷۱، ۳/۳۷۲، ۳/۳۷۳، ۳/۳۷۴، ۳/۳۷۵، ۳/۳۷۶، ۳/۳۷۷، ۳/۳۷۸، ۳/۳۷۹، ۳/۳۸۰، ۳/۳۸۱، ۳/۳۸۲، ۳/۳۸۳، ۳/۳۸۴، ۳/۳۸۵، ۳/۳۸۶، ۳/۳۸۷، ۳/۳۸۸، ۳/۳۸۹، ۳/۳۹۰، ۳/۳۹۱، ۳/۳۹۲، ۳/۳۹۳، ۳/۳۹۴، ۳/۳۹۵، ۳/۳۹۶، ۳/۳۹۷، ۳/۳۹۸، ۳/۳۹۹، ۳/۴۰۰، ۳/۴۰۱، ۳/۴۰۲، ۳/۴۰۳، ۳/۴۰۴، ۳/۴۰۵، ۳/۴۰۶، ۳/۴۰۷، ۳/۴۰۸، ۳/۴۰۹، ۳/۴۱۰، ۳/۴۱۱، ۳/۴۱۲، ۳/۴۱۳، ۳/۴۱۴، ۳/۴۱۵، ۳/۴۱۶، ۳/۴۱۷، ۳/۴۱۸، ۳/۴۱۹، ۳/۴۲۰، ۳/۴۲۱، ۳/۴۲۲، ۳/۴۲۳، ۳/۴۲۴، ۳/۴۲۵، ۳/۴۲۶، ۳/۴۲۷، ۳/۴۲۸، ۳/۴۲۹، ۳/۴۳۰، ۳/۴۳۱، ۳/۴۳۲، ۳/۴۳۳، ۳/۴۳۴، ۳/۴۳۵، ۳/۴۳۶، ۳/۴۳۷، ۳/۴۳۸، ۳/۴۳۹، ۳/۴۴۰، ۳/۴۴۱، ۳/۴۴۲، ۳/۴۴۳، ۳/۴۴۴، ۳/۴۴۵، ۳/۴۴۶، ۳/۴۴۷، ۳/۴۴۸، ۳/۴۴۹، ۳/۴۵۰، ۳/۴۵۱، ۳/۴۵۲، ۳/۴۵۳، ۳/۴۵۴، ۳/۴۵۵، ۳/۴۵۶، ۳/۴۵۷، ۳/۴۵۸، ۳/۴۵۹، ۳/۴۶۰، ۳/۴۶۱، ۳/۴۶۲، ۳/۴۶۳، ۳/۴۶۴، ۳/۴۶۵، ۳/۴۶۶، ۳/۴۶۷، ۳/۴۶۸، ۳/۴۶۹، ۳/۴۷۰، ۳/۴۷۱، ۳/۴۷۲، ۳/۴۷۳، ۳/۴۷۴، ۳/۴۷۵، ۳/۴۷۶، ۳/۴۷۷، ۳/۴۷۸، ۳/۴۷۹، ۳/۴۸۰، ۳/۴۸۱، ۳/۴۸۲، ۳/۴۸۳، ۳/۴۸۴، ۳/۴۸۵، ۳/۴۸۶، ۳/۴۸۷، ۳/۴۸۸، ۳/۴۸۹، ۳/۴۹۰، ۳/۴۹۱، ۳/۴۹۲، ۳/۴۹۳، ۳/۴۹۴، ۳/۴۹۵، ۳/۴۹۶، ۳/۴۹۷، ۳/۴۹۸، ۳/۴۹۹، ۳/۵۰۰، ۳/۵۰۱، ۳/۵۰۲، ۳/۵۰۳، ۳/۵۰۴، ۳/۵۰۵، ۳/۵۰۶، ۳/۵۰۷، ۳/۵۰۸، ۳/۵۰۹، ۳/۵۱۰، ۳/۵۱۱، ۳/۵۱۲، ۳/۵۱۳، ۳/۵۱۴، ۳/۵۱۵، ۳/۵۱۶، ۳/۵۱۷، ۳/۵۱۸، ۳/۵۱۹، ۳/۵۲۰، ۳/۵۲۱، ۳/۵۲۲، ۳/۵۲۳، ۳/۵۲۴، ۳/۵۲۵، ۳/۵۲۶، ۳/۵۲۷، ۳/۵۲۸، ۳/۵۲۹، ۳/۵۳۰، ۳/۵۳۱، ۳/۵۳۲، ۳/۵۳۳، ۳/۵۳۴، ۳/۵۳۵، ۳/۵۳۶، ۳/۵۳۷، ۳/۵۳۸، ۳/۵۳۹، ۳/۵۴۰، ۳/۵۴۱، ۳/۵۴۲، ۳/۵۴۳، ۳/۵۴۴، ۳/۵۴۵، ۳/۵۴۶، ۳/۵۴۷، ۳/۵۴۸، ۳/۵۴۹، ۳/۵۵۰، ۳/۵۵۱، ۳/۵۵۲، ۳/۵۵۳، ۳/۵۵۴، ۳/۵۵۵، ۳/۵۵۶، ۳/۵۵۷، ۳/۵۵۸، ۳/۵۵۹، ۳/۵۶۰، ۳/۵۶۱، ۳/۵۶۲، ۳/۵۶۳، ۳/۵۶۴، ۳/۵۶۵، ۳/۵۶۶، ۳/۵۶۷، ۳/۵۶۸، ۳/۵۶۹، ۳/۵۷۰، ۳/۵۷۱، ۳/۵۷۲، ۳/۵۷۳، ۳/۵۷۴، ۳/۵۷۵، ۳/۵۷۶، ۳/۵۷۷، ۳/۵۷۸، ۳/۵۷۹، ۳/۵۸۰، ۳/۵۸۱، ۳/۵۸۲، ۳/۵۸۳، ۳/۵۸۴، ۳/۵۸۵، ۳/۵۸۶، ۳/۵۸۷، ۳/۵۸۸، ۳/۵۸۹، ۳/۵۹۰، ۳/۵۹۱، ۳/۵۹۲، ۳/۵۹۳، ۳/۵۹۴، ۳/۵۹۵، ۳/۵۹۶، ۳/۵۹۷، ۳/۵۹۸، ۳/۵۹۹، ۳/۶۰۰، ۳/۶۰۱، ۳/۶۰۲، ۳/۶۰۳، ۳/۶۰۴، ۳/۶۰۵، ۳/۶۰۶، ۳/۶۰۷، ۳/۶۰۸، ۳/۶۰۹، ۳/۶۱۰، ۳/۶۱۱، ۳/۶۱۲، ۳/۶۱۳، ۳/۶۱۴، ۳/۶۱۵، ۳/۶۱۶، ۳/۶۱۷، ۳/۶۱۸، ۳/۶۱۹، ۳/۶۲۰، ۳/۶۲۱، ۳/۶۲۲، ۳/۶۲۳، ۳/۶۲۴، ۳/۶۲۵، ۳/۶۲۶، ۳/۶۲۷، ۳/۶۲۸، ۳/۶۲۹، ۳/۶۳۰، ۳/۶۳۱، ۳/۶۳۲، ۳/۶۳۳، ۳/۶۳۴، ۳/۶۳۵، ۳/۶۳۶، ۳/۶۳۷، ۳/۶۳۸، ۳/۶۳۹، ۳/۶۴۰، ۳/۶۴۱، ۳/۶۴۲، ۳/۶۴۳، ۳/۶۴۴، ۳/۶۴۵، ۳/۶۴۶، ۳/۶۴۷، ۳/۶۴۸، ۳/۶۴۹، ۳/۶۵۰، ۳/۶۵۱، ۳/۶۵۲، ۳/۶۵۳، ۳/۶۵۴، ۳/۶۵۵، ۳/۶۵۶، ۳/۶۵۷، ۳/۶۵۸، ۳/۶۵۹، ۳/۶۶۰، ۳/۶۶۱، ۳/۶۶۲، ۳/۶۶۳، ۳/۶۶۴، ۳/۶۶۵، ۳/۶۶۶، ۳/۶۶۷، ۳/۶۶۸، ۳/۶۶۹، ۳/۶۷۰، ۳/۶۷۱، ۳/۶۷۲، ۳/۶۷۳، ۳/۶۷۴، ۳/۶۷۵، ۳/۶۷۶، ۳/۶۷۷، ۳/۶۷۸، ۳/۶۷۹، ۳/۶۸۰، ۳/۶۸۱، ۳/۶۸۲، ۳/۶۸۳، ۳/۶۸۴، ۳/۶۸۵، ۳/۶۸۶، ۳/۶۸۷، ۳/۶۸۸، ۳/۶۸۹، ۳/۶۹۰، ۳/۶۹۱، ۳/۶۹۲، ۳/۶۹۳، ۳/۶۹۴، ۳/۶۹۵، ۳/۶۹۶، ۳/۶۹۷، ۳/۶۹۸، ۳/۶۹۹، ۳/۷۰۰، ۳/۷۰۱، ۳/۷۰۲، ۳/۷۰۳، ۳/۷۰۴، ۳/۷۰۵، ۳/۷۰۶، ۳/۷۰۷، ۳/۷۰۸، ۳/۷۰۹، ۳/۷۱۰، ۳/۷۱۱، ۳/۷۱۲، ۳/۷۱۳، ۳/۷۱۴، ۳/۷۱۵، ۳/۷۱۶، ۳/۷۱۷، ۳/۷۱۸، ۳/۷۱۹، ۳/۷۲۰، ۳/۷۲۱، ۳/۷۲۲، ۳/۷۲۳، ۳/۷۲۴، ۳/۷۲۵، ۳/۷۲۶، ۳/۷۲۷، ۳/۷۲۸، ۳/۷۲۹، ۳/۷۳۰، ۳/۷۳۱، ۳/۷۳۲، ۳/۷۳۳، ۳/۷۳۴، ۳/۷۳۵، ۳/۷۳۶، ۳/۷۳۷، ۳/۷۳۸، ۳/۷۳۹، ۳/۷۴۰، ۳/۷۴۱، ۳/۷۴۲، ۳/۷۴۳، ۳/۷۴۴، ۳/۷۴۵، ۳/۷۴۶، ۳/۷۴۷، ۳/۷۴۸، ۳/۷۴۹، ۳/۷۵۰، ۳/۷۵۱، ۳/۷۵۲، ۳/۷۵۳، ۳/۷۵۴، ۳/۷۵۵، ۳/۷۵۶، ۳/۷۵۷، ۳/۷۵۸، ۳/۷۵۹، ۳/۷۶۰، ۳/۷۶۱، ۳/۷۶۲، ۳/۷۶۳، ۳/۷۶۴، ۳/۷۶۵، ۳/۷۶۶، ۳/۷۶۷، ۳/۷۶۸، ۳/۷۶۹، ۳/۷۷۰، ۳/۷۷۱، ۳/۷۷۲، ۳/۷۷۳، ۳/۷۷۴، ۳/۷۷۵، ۳/۷۷۶، ۳/۷۷۷، ۳/۷۷۸، ۳/۷۷۹، ۳/۷۸۰، ۳/۷۸۱، ۳/۷۸۲، ۳/۷۸۳، ۳/۷۸۴، ۳/۷۸۵، ۳/۷۸۶، ۳/۷۸۷، ۳/۷۸۸، ۳/۷۸۹، ۳/۷۹۰، ۳/۷۹۱، ۳/۷۹۲، ۳/۷۹۳، ۳/۷۹۴، ۳/۷۹۵، ۳/۷۹۶، ۳/۷۹۷، ۳/۷۹۸، ۳/۷۹۹، ۳/۸۰۰، ۳/۸۰۱، ۳/۸۰۲، ۳/۸۰۳، ۳/۸۰۴، ۳/۸۰۵، ۳/۸۰۶، ۳/۸۰۷، ۳/۸۰۸، ۳/۸۰۹، ۳/۸۱۰، ۳/۸۱۱، ۳/۸۱۲، ۳/۸۱۳، ۳/۸۱۴، ۳/۸۱۵، ۳/۸۱۶، ۳/۸۱۷، ۳/۸۱۸، ۳/۸۱۹، ۳/۸۲۰، ۳/۸۲۱، ۳/۸۲۲، ۳/۸۲۳، ۳/۸۲۴، ۳/۸۲۵، ۳/۸۲۶، ۳/۸۲۷، ۳/۸۲۸، ۳/۸۲۹، ۳/۸۳۰، ۳/۸۳۱، ۳/۸۳۲، ۳/۸۳۳، ۳/۸۳۴، ۳/۸۳۵، ۳/۸۳۶، ۳/۸۳۷، ۳/۸۳۸، ۳/۸۳۹، ۳/۸۴۰، ۳/۸۴۱، ۳/۸۴۲، ۳/۸۴۳، ۳/۸۴۴، ۳/۸۴۵، ۳/۸۴۶، ۳/۸۴۷، ۳/۸۴۸، ۳/۸۴۹، ۳/۸۵۰، ۳/۸۵۱، ۳/۸۵۲، ۳/۸۵۳، ۳/۸۵۴، ۳/۸۵۵، ۳/۸۵۶، ۳/۸۵۷، ۳/۸۵۸، ۳/۸۵۹، ۳/۸۶۰، ۳/۸۶۱، ۳/۸۶۲، ۳/۸۶۳، ۳/۸۶۴، ۳/۸۶۵، ۳/۸۶۶، ۳/۸۶۷، ۳/۸۶۸، ۳/۸۶۹، ۳/۸۷۰، ۳/۸۷۱، ۳/۸۷۲، ۳/۸۷۳، ۳/۸۷۴، ۳/۸۷۵، ۳/۸۷۶، ۳/۸۷۷، ۳/۸۷۸، ۳/۸۷۹، ۳/۸۸۰، ۳/۸۸۱، ۳/۸۸۲، ۳/۸۸۳، ۳/۸۸۴، ۳/۸۸۵، ۳/۸۸۶، ۳/۸۸۷، ۳/۸۸۸، ۳/۸۸۹، ۳/۸۹۰، ۳/۸۹۱، ۳/۸۹۲، ۳/۸۹۳، ۳/۸۹۴، ۳/۸۹۵، ۳/۸۹۶، ۳/۸۹۷، ۳/۸۹۸، ۳/۸۹۹، ۳/۹۰۰، ۳/۹۰۱، ۳/۹۰۲، ۳/۹۰۳، ۳/۹۰۴، ۳/۹۰۵، ۳/۹۰۶، ۳/۹۰۷، ۳/۹۰۸، ۳/۹۰۹، ۳/۹۱۰، ۳/۹۱۱، ۳/۹۱۲، ۳/۹۱۳، ۳/۹۱۴، ۳/۹۱۵، ۳/۹۱۶، ۳/۹۱۷، ۳/۹۱۸، ۳/۹۱۹، ۳/۹۲۰، ۳/۹۲۱

۵/۲۲، ۲/۲۹، ۳/۵۲؛ انکلساریا: ۳/۳۰) و یک بار نیز از سوی پیروان او (= abarīgān) فتوایی نقل شده است (مُدی: ۱۳/۵۰). این نام به صورت aparag (کاپادیا، ۱۹۵۳: ۲۹۶). afrag و avrag خوانده شده است (جاماسب، ۱۹۰۷، ۲: ۹). فتوای او در زمینه‌های «شرایط حضور دستور در دادگاه، ایوکینی، سالاری، قیمومت، تقسیم سهم و شناسایی شخص (= تشخیص هویت)» است.

### ۳-۵ - بهرام (wahrām)

بهرام از قضات و مفسران دوره ساسانی است. نام او ۲۶ بار در مادبان هزار دادستان آمده است. در بیشتر موارد فتوا و حکمی از زبان خود او نقل شده (مُدی: ۱۷/۴، ۲/۶ و ۱۴، ۱۱/۷، ۷/۸، ۷/۲۰، ۱۴/۲۱، ۸/۳۱، ۱۶/۶۱، ۱۴/۶۴، ۹/۶۵ و ۱۲ و ۱۷، ۴/۷۰، ۱/۹۸ و ۴؛ انکلساریا: ۱۶/۳، ۵/۹، ۱۳/۱۰، ۱۲/۱۱، ۵/۱۹، ۱۶/۲۹) و گاه حکمی را از زبان مفسر دیگری به نام پوسان‌وه آزامردان (مُدی: ۱/۹۸؛ انکلساریا: ۱۴/۱۶) و بهرام‌شاد و رادهرمز (انکلساریا: ۵/۹) بیان کرده است.<sup>۱</sup> نام او بیشتر از مفسران دیگر آمده، در نتیجه فتواهای بسیار و متنوعی او نقل شده است. فتواهای او درباره «گواهی دو زن، گواهی یک زن و یک مرد، سالاری به همراه زناشویی، سوگند، نقش دستور، آزاد کردن برده از دارایی هبه‌شده، ایوکین، مصادره اموال، ارث، اظهار مالکیت، تقسیم سهم، فرزندخواندگی، اختیار زن بر درآمد خویش، واگذاری اموال، نحوه ثبت اظهارات و نحوه تشخیص هویت» است.

### ۳-۶ - بهرام شاد (wahrām-šād)

بهرام شاد از قضات و مفسران دوره ساسانی است. نام او ۳ بار در این متن آمده و هر بار با مفسر دیگری همراه است. ۲ بار به همراه راداورمزد (مُدی: ۱۳/۶۹؛ انکلساریا: ۵/۹) و یک بار به همراه گشن‌جم (انکلساریا: ۱۶/۱۱). او فتوا در مورد «فرزندخواندگی و واگذاری اموال» داده است.

### ۳-۷ - پوسانوز (pusānūz)

پوسانوز مفسر است؛ نام او ۲ بار در متن آمده و فتوایی درباره «شراکت زن و مرد و حکم آن بعد از طلاق» داده است (مُدی: ۷/۴ و ۸؛ عریان، ۱۳۹۱: ۱۰۱).

### ۳-۸ - پوسان‌وه (pusān weh)

پوسان‌وه مفسر است؛ نام او ۶ بار در متن آمده که گاه به تنهایی (مُدی: ۳/۵۱، ۱۵/۵۲) و گاه با مفسران دیگری چون مردگ (مُدی: ۷/۳۱، ۷/۴۲) و وه اورمزد و سیاوش (مُدی: ۵/۴۱) فتوایی از او نقل شده و یک بار نیز وای‌یار از او حکمی را بیان می‌کند (انکلساریا: ۱۱/۷). فتواهای او در مسائل «سوگند، واگذاری دارایی، قیمومت، تقسیم سهم، عدم تمکین، سالاری آتش، مالکیت و هزینه روشن نگه‌داشتن آتش» است.

### ۳-۹ - پوسان‌وه آزامردان (pusān-weh ī āzād-mardān)

<sup>۱</sup> - در کتیبه‌های ساسانی نام چند موبد بوده که مَهر داشتند (ژینیو، ۱۹۸۶: ۱۷۱). در روایت پهلوی (۲۸/پ-۱) از فردی با نام بهرام آذرماهان که عنوان دستور داشت، نام برده شده است (میرفخرایی، ۱۳۹۰: ۴۸۰؛ دابار، ۱۹۱۳: ۹۶).

از قضات و مفسران دوره ساسانی است. نام او ۲۰ بار در متن آمده است. این مفسر نیز از جمله کسانی است که از او فتوا و حکم‌های بسیاری در زمینه‌های مختلف در *مادیان هزار دادستان* گفته شده است. ۱۳ بار حکم از خود او نقل شده (مُدی: ۱۱/۵، ۴/۱۴، ۴/۱۹، ۶/۴۳، ۶/۵۲-۱۲، ۱۳-۱۷/۵۶، ۱۵/۹۰، ۹/۹۵، ۳/۹۹ و ۸، ۱/۱۰۰؛ انکلساریا: ۲/۴، ۱۴/۲۹ و ۱۷) و ۲ بار بهرام، فتوایی را از او بیان می‌کند (مُدی: ۱/۹۸؛ انکلساریا: ۱۴-۱۵). فتواهای او در مورد «گواهی دو زن، حضور دستور در دادرسی، سوگند، هبه، قیمومت، تقسیم ارث، هم‌پایندانی، اختصاص درآمد به زن، ثبت دقیق اظهارات در دادگاه، تشخیص هویت، داوری اقوام کوچ‌نشین و طلاق» صادر شده است.

### ۳-۱۰- پوسان‌وه برزآذر فرنیغان (*pusān-weh ī burz-ādur-farrōbayān*)

او از قضات و مفسران دوره ساسانی است. نام او ۷ بار در متن آمده که ۶ بار به تنهایی (مُدی: ۴-۳/۱۶، ۳/۲۸، ۱۱/۶۹، ۶/۷۲، ۱۶/۱۰۰؛ انکلساریا: ۱۲/۴۰) و یک بار به همراه مفسر دیگری به نام پیروز وه-اورمزدان آمده است (مُدی: ۱۰/۱۰۸). فتوای او در مسائل «تادیه بدهی پدر، سالاری دختر، فرزندخواندگی، تاوان، چکرزنی، بخشش و واگذاری دارایی» نقل شده است.

### ۳-۱۱- پیروز (*pērōz*)

پیروز مفسر است؛ نام او ۲ بار در متن آمده است (مُدی: ۹/۹۵؛ انکلساریا: ۱۶/۳۲)<sup>۱</sup> و درباره «ارث به کودک (= صغیر) و طلاق» فتوا داده است.

### ۳-۱۲- پیروز و هاورمزدان (*pērōz ī weh-ohrmazdān*)

پیروز پسر وه‌اورمزد، مفسر است؛ نام او یک بار در متن *مادیان هزار دادستان* آمده است (مُدی: ۱۰/۱۰۸). فتوای او درباره «واگذاری برده» است.

### ۳-۱۳- پیشگسر (*pēšagsēr*)

پیشگسر مفسر است. نام او ۶ بار در متن آمده و فتوایی درباره مسائلی چون «قیمومت، تقسیم سهم، ارث، واگذاری دارایی و اختیارات داور و موید» از او نقل شده است<sup>۲</sup> (مُدی: ۱۷/۴۲، ۱۷/۵۰، ۱۷/۵۲، ۹/۶۱؛ انکلساریا: ۱۰/۱۱، ۱۱/۲۶).

### ۳-۱۴- جاماسب (*jāmāsp*)

<sup>۱</sup> نام چند پیروز در کتیبه‌های ساسانی آمده که دارای مهر بودند، مانند پیروز پسر مرد بود، پیروز پسر مهرگنسنب و ... (ژینیو، ۱۹۸۶: ۱۴۷).

<sup>۲</sup> در *روایت پهلوی*، فصل درون و میزد و گوشودا (۱/۵۸)، از چاشته پیشگسری درباره برگزاری درون سخن گفته شده است (میرفخرایی، ۱۳۹۰: ۳۳۵؛ دابار، ۱۹۱۳: ۱۷۰).



قاضی در دوره ساسانی است. نام او تنها یک بار در متن آمده و فتوای او درباره «مصادره اموال مردی که قبلاً مال خود را به زن و فرزند خود هبه کرده و بعد آن را فروخته» است (مُدی: ۱/۳۲).

### ۱۵-۳ - خدای بود دبیر (xwadāy-būd ī dabīr)

خدای بود دبیر مفسر است، تنها یک بار به نام او اشاره شده است. فتوای او در باره «تسویه بدهی پدر به وسیله پادشاپسر» داده است (مُدی: ۵/۲).

### ۱۶-۳ - دادفرخ (dād-farrox)

داد فرخ قاضی و مفسر در زمان ساسانی است؛ نام او ۷ بار در متن آمده است. ۵ بار به تنهایی (مُدی: ۱۵/۴، ۶/۲۹، ۹/۳۵، ۱/۵۶؛ انکلساریا: ۲/۵) یک بار به همراه سیاوش که درباره اختیار مرد در واگذاری پادشازنی با او هم‌رأی است (مُدی: ۵/۱۰۱) و یک بار نیز با عنوان مغان اندرزید از او نام برده شده است (انکلساریا: ۱۴/۱۵)<sup>۱</sup>. فتوهای دیگر او درباره «سالاری امور مربوط به روان و آتشکده، هم‌پایندانی، عدم تمکین و قیمومت» است.

### ۱۷-۳ - دادفرخ آذر زندان (dād-farrox ī ādur-zandān)

داد فرخ پسر آذر زند، مفسر است؛ نام او یک بار در متن آمده است که به پرسش داد فرخ درباره «عدم تمکین زن» پاسخ می‌دهد (انکلساریا: ۱۵/۴).

### ۱۸-۳ - دادفرخ فرخ زروان (dād-farrox ī farrox-zurwān)

دادفرخ پسر فرخ زروان، مفسر است؛ نام او ۲ بار در متن آمده که یک بار درباره «درآمد زن و شوهر»، هر یک به صورت جداگانه، سخن گفته (انکلساریا: ۸/۱) و یک بار درباره «معامله زن و حمایت شوهر» حکم داده است (انکلساریا: ۳/۱۲)<sup>۲</sup>.

### ۱۹-۳ - دادفرخ مردبودان (dād-farrox ī mard-būdān)

<sup>۱</sup> - در زند وندیداد، فرگرد ۵ بند ۳۴ از مفسری به نام دادفرخ فتوایی درباره دور داشتن برسم از نسا (= مردار) (جاماسب، ۱۹۰۷: I: ۱۷۷) و در فرگرد ۶ بند ۲۹ از فتوایی درباره نسایی که در آب پیوسیده شده (همان: ۲۲۱)، آمده است. در هیریدستان (۴/۲) از مفسری به نام دادفرخ فتوایی نقل شده است (کوتوال و کرینبروک، ۱۹۹۲: ۳۰). در کتیبه‌های ساسانی از چند موبد با نام دادفرخ یاد می‌شود که دارای مهر بودند (ژینیو، ۱۹۸۶: ۷۱). در روایت پهلوی، فصل درون و میزد و گوشودا (۷/۵۸)، به موبد و مفسری با نام آذرباد دادفرخان اشاره شده است (میرفخرایی، ۱۳۹۰: ۵۲۳). در نیرنگستان، فرگرد نخست نیز فتوایی از قول مفسری به نام آذرباد دادفرخان (-dād ī ādurbād farroxān) نقل شده است و در (۱۶/۱۳) نیز از همین مفسر به صورت آذرباد دادفرخ (ādurbād ī dād-farrox) نام برده شده است (کوتوال و کرینبروک، ۱۹۹۵: ۹۰).

<sup>۲</sup> - برای دادفرخ به قسمت ۳-۱۶ رجوع شود و یادداشت مربوط به آن.

داد فرخ پسر مردبود، مفسر است؛ نام او یک بار در متن آمده (مُدی: ۸/۷۲) و فتوایی داده است که بر خلاف فتوای پوسان‌وه آذرفرنبغان است. در این مسئله مردی دارایی خود را تا بازگشت از سفر، به شخصی می‌دهد، ولی در سفر می‌میرد، پوسان‌وه معتقد است مال به آن شخص نمی‌رسد، ولی دادفرخ معتقد است که دارایی به آن شخص می‌رسد (عربان، ۱۳۹۱: ۲۸۰).<sup>۱</sup>

### ۳-۲۰- دادگشنسب شهرزابلگان (dād-gušnasp ī šagr-zābalagān)

دادگشنسب پسر شهرزابلگ، نام او یک بار در متن آمده است (انکلساریا: ۴-۳/۳۹). او هم‌دوره با وه شاپور موبدان موبد بوده است. فتوای او درباره «سالاری آتش» است.

### ۳-۲۱- راد (rād)

راد مفسر است؛ نام او یک بار در مادیان هزار دادستان آمده و درباره «اظهار پذیرش چیزی» فتوا داده است (مُدی: ۱۶/۶۷).

### ۳-۲۲- راد اورمزد (rād-ōhrmazd)

راد اورمزد قاضی و مفسر دوره ساسانی است. نام او ۱۰ بار در متن آمده که ۷ بار فتوایی از خود او نقل شده (مُدی: ۱۰/۲۰، ۱/۳۲، ۹/۴۲، ۱۵/۴۹، ۹/۶۴، ۱۳/۷۰ و ۱۶؛ انکلساریا: ۴/۴)، یک بار به همراه سیاوش (مُدی: ۸/۶۷) و ۲ بار نیز به همراه بهرام شاد (مُدی: ۱۳/۶۹؛ انکلساریا: ۵/۹) فتوایی از او گفته شده است.<sup>۲</sup> فتواهای او درباره مسائل مربوط به «هبه، مصادره دارایی، قیمومت و سالاری، اظهار مالکیت و پذیرش، فرزندخواندگی و دارایی که به دو نفر رسیده»، است.

### ۳-۲۳- روشن اورمزد (rōšn-ōhrmazd)

روشن اورمزد مفسر است؛ نام او ۲ بار در متن آمده است (انکلساریا: ۲/۳۰، ۱۰/۳۶). در مورد آخر نام او با عنوان رئیس آتشکده ایران فره‌خسرو آمده است. فتوای او درباره «تشخیص هویت و سالاری آتشکده» است.

### ۳-۲۴- زوران‌داد (zurwān-dād)

زوران‌داد مفسر است؛ نام او ۷ بار در متن آمده است که در ۶ مورد فتوایی درباره مسائلی چون «قتل به وسیله برده، گواهی دو زن، برگرداندن بدهی، عدم حضور در دادگاه، تادیه بدهی، سالاری، واگذاری دارایی و تایید اعتبار مهر» از او نقل شده است (مُدی: ۵/۱۱، ۷/۱۵، ۱۶/۲۸، ۶/۹۷، ۳/۹۸، ۷/۹۹) و یک بار

<sup>۱</sup>- برای مردبود به قسمت ۲-۳ رجوع شود.

<sup>۲</sup>- در نام‌های خاص در کتیبه‌های ساسانی نام فردی به نام راداورمزد آمده که دارای مهر بوده است (ژینیو، ۱۹۸۶: ۱۵۱).



### ۳-۲۹ - فرخ‌مرد بهرامان (farrox-mard ī wahrāmān)

فرخ‌مرد پسر بهرام، گردآورنده کتاب *مادیان هزار داستان* است. نام او تنها یک بار، در بخش معرفی کتاب، آمده است (مُدی: ۱۷/۸۰). در متن کتاب، سه بار رأی خود را با ضمیر اول شخص مفرد با عباراتی چون «من نیز اینگونه می‌گویم» (مُدی: ۱۰/۲۰)، «من نیز همینگونه می‌دانم» (انکلساریا: ۱۶/۳) و «به نظر من آن خوب نیست» (انکلساریا: ۱۳/۶) بیان می‌کند. وی در مسائل «هبه، تقسیم سهم و عدم تمکین» فتوا دارد.

### ۳-۳۰ - فرنیغ (farrōbay)

فرنیغ از مقامات عالی‌رتبه دوره ساسانی است. نام او یک بار در متن آمده و در کنار هوداد، آذربزید و آذرباد زردشتان از او یاد می‌شود (مُدی: ۱۰/۳۸)؛ در متن فقط به نام او اشاره شده و فتوایی از او نقل نشده است.<sup>۱</sup>

### ۳-۳۱ - گشن جم (gušn-jam)

نام او ۶ بار در متن آمده است. ۴ بار رأی او درباره مسائل مختلف بیان شده (مُدی: ۸/۸۹؛ انکلساریا: ۱۴/۱۲، ۹/۳۱، ۲/۳۶)، یک بار وه‌اورمزد از او درباره «تقسیم مالی بین سه نفر در شرایط خاص»، پرسش می‌کند (انکلساریا: ۵/۱۰)، در یک جا نیز به رأی او که متفاوت از بهرام‌شاد است، اشاره شده است (انکلساریا: ۱۶/۱۱). فتوهای دیگر او درباره «واگذاری دارایی، واگذاری برده، عزل داور، قیمومت و سالاری آتشکده»، است.

### ۳-۳۲ - ماه‌داد گشنسب جان‌افزود (māh-dād gušnashb ī gyān-abzūd)

ماه‌داد گشنسب پسر جان‌افزود، مفسر است؛ نام او تنها یک بار در متن آمده (مُدی: ۱۰-۹/۷۰). فتوای او درباره «ارث چکرزنی است که به مقام پادشاهی رسیده»، است.

### ۳-۳۳ - ماه‌ونداد (māh-windād)

ماه‌ونداد مفسر است<sup>۲</sup>؛ نام او ۲ بار در متن آمده و از وی دو فتوا درباره «قیمومت دختر» (مُدی: ۴/۲۴) و «هم‌پایندانی (= ضمانت مشترک)» بیان شده است (مُدی: ۱/۵۹).

### ۳-۳۴ - ماه‌ونداد بزرگ‌بودان (māh-widād ī wuzurg-būdān)

ماه‌ونداد پسر بزرگ‌بود، مفسر است؛ نام او تنها یک بار در متن آمده که فتوایی در «تقسیم دارایی میان زن و فرزندان» داده است (مُدی: ۱۴/۶۵).

<sup>۱</sup> - در دوره ساسانی چندین موبد با این نام بوده‌اند که دارای مهر بودند (ژینیو، ۱۹۸۶: ۸۱).

<sup>۲</sup> - در کتیبه‌های ساسانی موبدی با نام ماه‌ونداد پسر انوش‌بخت (anōš-baxt) آمده که صاحب مهری بود (ژینیو، ۱۹۸۶: ۱۱۴).

### ۳-۳۵ - مردگ (mardag)

مردگ مفسر است<sup>۱</sup>؛ نام او ۸ بار در متن آمده، در ۵ مورد فتوایی از او گفته یا نوشته شده است (مُدی: ۴/۱۲، ۱۵/۱۹، ۸/۴۱، ۴/۷۱، ۳/۷۲)، ۲ بار با پوسان‌وه (مُدی: ۷/۳۱، ۷/۴۲) و یک بار نیز با پوسانوز در حکمی همداستان بوده است (مُدی: ۷/۴). وی در مسائل «شراکت زن و مرد بعد از طلاق، عدم حضور در دادگاه، هبه، واگذاری دارایی، قیمومت، فرزندخواندگی و تاوان دادن»، فتوا دارد.

### ۳-۳۶ - منوچهر (manuščihir)

منوچهر مفسر است؛ نام او یک بار در مادیان هزار دادستان آمده است و درباره «شراکت در ارث» فتوا داده است (۲/۲۴: nd).

### ۳-۳۷ - مارسپند (maraspand)

نام این مفسر که در متن با عنوان رد معرفی شده و معاصر با مهرنرسه بوده تنها یک بار آمده است و فتوایی درباره «بازگرداندن بدهی و سوگند درباره آن»، داده است (مُدی: ۴/۱۳)<sup>۲</sup>.

### ۳-۳۸ - میدیوماه (mēdōmāh)

او مفسر اوستاست<sup>۳</sup>؛ نام او ۹ بار در متن آمده است. ۷ بار به صورت mēdōmāh (مُدی: ۱۴/۵-۱۳، ۱۴/۱۷، ۵/۲۲، ۱۵/۵۰، ۹/۵۱، ۳/۵۲ و ۴ و ۹) و ۲ بار به صورت mēdōmāhīg (مُدی: ۱۴/۱۷، ۱۵/۵۰) که به طور روشنی اشاره به چاشته میدیوماهی دارد. فتوای او درباره «حضور دستور در دادگاه، سالاری دختر، هبه، ایوکینی، تقسیم سهم و قیمومت»، است.

<sup>۱</sup> - در کتیبه‌های ساسانی از موبدی نام برده می‌شود که صاحب مهر بود و و پسر وه‌اورمزد (weh-ohrmazd) بود (ژینیو، ۱۹۸۶: ۱۱۷).  
<sup>۲</sup> - مارسپند نام چند موبد بوده (برای آگاهی بیشتر رجوع شود به ژینیو، ۱۹۸۶: ۱۱۵) که معروف‌ترین آنها پدر آذرباد است که در متون فارسی میانه نام او بسیار دیده می‌شود. در روایت پهلوی فصل ۶۲- و ۱ به صورت آذرباد مهرسپندان (آذرباد پسر مهرسپند) آمده است (میرفخرایی ۱۳۹۰: ۳۵۲؛ دایار، ۱۹۱۳: ۱۹۳). در زند وندیداد ۴۵/۴ نیز به صورت آذرباد مهرسپندان آمده است (جاماسب، ۱۹۰۷: I، ۱۳۰ و II: ۱۵۵). در متون پهلوی اندرزهایی منسوب به آذرباد مارسپندان آمده است (جاماسب - آسانا، ۱۸۹۷: ۵۸-۷۱؛ عریان، ۱۳۷: ۱۰۰-۱۱۰).  
<sup>۳</sup> - میدیوماه نام پسر عموی اشو زردشت و همچنین نام چند موبد است که صاحب مهر بودند (ژینیو، ۱۹۸۶: ۱۲۲). در بندش (ت.د.د: ۲۳۵ و ۲۳۶) پسر آراستی و پسر عموی زردشت است، همچنین نام چند موبد است (بهار، ۱۳۸۰: ۱۵۲ و ۱۵۳). در وزیدگی‌های زاسپرم ۴/۲۰ نام میدیوماه به عنوان اولین گروهنده به زردشت آمده و در ۱/۲۵ نیز از گرویدن او به زردشت سخن رفته است. هم چنین در ۱/۲۴ و ۹/۳۵ با عنوان پسر آراستی (mēdōmāh ī ārāstāyān) معرفی می‌شود که به زردشت گروید (راشد محصل، ۱۳۸۵: ۱۳۸۵؛ انکلساریا، ۱۹۶۴). در زند وندیداد ۱/۵، ۴، ۱۹، ۱۸/۸، ۳۴، ۳۲/۹، ۳۶/۱۳، ۹/۱۴ نام این مفسر آمده است (کاپادیا، ۱۹۵۳: ۱۴۳؛ جاماسب، ۱۹۰۷: II، ۱۵۳). در شایست ناشایست از جمله مفسرانی است که نام او بسیار آمده که فتوایی از او نقل شده (فصل‌های ۳/۱، ۱/۲ و ۱۱ و ۸۹ و ۵/۵ و ۶) و گاه به وندیداد او استناد می‌کند (فصل‌های ۱/۲ و ۱۲) (مزداپور، ۱۳۹۰: داور، ۱۹۱۲).

### ۳-۳۹ - مینو مردان (mēnōg-mardān)

او مفسر است؛ نام او یک بار در متن آمده و رای او درباره «دین پدر و حکم سوگند درباره آن» است (مُدی: ۲/۱۳).

### ۳-۴۰ - نیو گشنسب (nēw-gušnasb)

نیو گشنسب مفسر است؛ نام او یک بار در متن آمده و در مورد قیمومت فتوا داده است (انکلساریا: ۹/۳۱).

### ۳-۴۱ - وادیار (wād-ayār)

وادیار مفسر و معاصر با خسرو انوشیروان بوده؛ نام او یک بار در متن آمده است (انکلساریا: ۱۱/۳۷). وی درباره «سالاری آتشکده‌ای» که در زمینی متعلق به دو نفر برپا شده و چگونگی سالاری آتشکده برای آن دو و بعد از آنها برای فرزندانشان حکمی داده است (عریان، ۱۳۹۱: ۳۵۷).

### ۳-۴۲ - وای یار (wāy-ayār)

وی از قضات و مفسران دوره ساسانی زمان خسرو اول است. نام او ۱۴ بار در متن *مادیان هزار دادستان* آمده است. وی از مفسرانی است که فتواهای بسیاری از او نقل شده است (مُدی: ۴/۵، ۱۴/۱۶، ۱/۲۳، ۷/۲۷، ۴/۳۱، ۶/۴۲ و ۱۲، ۱/۴۵، ۴/۴۶، ۷/۴۷، ۲/۵۴، ۲/۶۲؛ انکلساریا: ۸/۷، ۴/۱۸). وای یار درباره مسائلی چون «حضور دستور در دادگاه، بازگرداندن بدهی، قیمومت، سالاری آتش و مصادره دارایی»، احکامی را صادر کرده است.

### ۳-۴۳ - وه پناه (weh-panāh)

نام او یک بار در متن آمده و فتوایی درباره «هم‌پایندانی» دارد. او عنوان مغان اندرزبیدی دارد (مُدی: ۱۰/۵۹).

### ۳-۴۴ - وه‌داد (weh-dād)

وه‌داد مفسر است، تنها یک بار نام او در متن آمده و فتوایی درباره «تقسیم سهم» داده است (مُدی: ۲/۶۵).

<sup>۱</sup> - در *شایست ناشایست* نام این مفسر ۵ بار آمده است. در فصل ۱ بند ۳ نیوگشنسب بر اساس چاشته آذرهرمز و میدیوماه بر اساس چاشته نیوگشنسب فتوایی داده است و در فصل‌های ۷۴/۲ و ۱۱۹ و ۸۲ فتواهایی از او نقل شده است (مزدایور، ۱۳۹۰: داور، ۱۹۱۲).

<sup>۲</sup> - عریان (۱۳۹۱: ۳۵۷) این نام را واتیار خوانده است.

<sup>۳</sup> - در *نیرنگستان*، فرگرد نخست (۵/۲۲) نام مفسری به همراه نام پدرش به صورت «وه‌داد آذراورمزدان» (wehdād ādur-ōhrmazd) آمده است (کوئوال و کرینبروک، ۱۹۹۵: ۱۲۴) و از او فتوایی درباره نیایش زن در حالت دشتان (= قاعدگی) نقل شده است. در کتاب *نام‌های خاص در کتیبه‌های ساسانی* نیز نام چند موبد است که مَهر داشتند (ژینیو، ۱۹۸۶: ۱۷۸-۱۷۹).

### ۳-۴۵- وهرز (wahrēz)<sup>۱</sup>

وهرز مفسر است؛ نام او یک بار در متن آمده و در طی آن مطلبی درباره «پایندانی و هم‌پایندانی» که از آذر برزگر شنیده است بیان می‌کند (مُدی: ۲/۵۷).

### ۳-۴۶- وه اورمزد (weh-ohrmazd)

وه اورمزد مفسر است؛ نام او ۷ بار در متن آمده است. گاه درباره مسائلی چون قیمومت، تأیید و تعیین مشخصات افراد در دادگاه به وسیله افراد شایسته حکمی داده است (مُدی: ۱۶/۵۰؛ انکلساریا: ۵/۱۰، ۹/۲۹ و ۱۷) و گاه با مفسران دیگری چون فرخ زروان، پوسان‌وه و سیاوش (مُدی: ۱۵/۲، ۵/۴۱) همداستان بوده و گاه مطلبی را از مفسر دیگری نقل کرده است (انکلساریا: ۳/۳۰)<sup>۲</sup>. فتوایی که از او نقل شده، درباره «تادیبه بدهی، قیمومت، واگذاری دارایی خویش و تشخیص هویت» است.

### ۳-۴۷- هوداد (hū-dād)

هوداد از شخصیت‌های دوره ساسانی است. نام او یک بار آمده<sup>۳</sup> و فتوایی از او نقل نشده است (انکلساریا: ۱۰/۳۸). نام او در کنار فرنبخ، آذربرزید و آذرباد زردشتان دیده می‌شود.

## ۴- نتیجه‌گیری

در متن *مادیان هزار دادستان* به نام ۴ موبدان موبد اشاره شده که از میان آنان تنها از وه‌شاپور فتوا و حکم نقل شده و از دیگر موبد موبدان، تنها به نام یا توصیه‌ای از آنها اشاره شده است. بر اساس متن، وه‌شاپور موبدان موبد اردشیرخوره در زمان خسرو انوشیروان بود. با توجه به زمان زندگی وه‌شاپور، وی از دیگر موبد موبدان جدیدتر و به زمان زندگی نویسنده *مادیان* (یعنی دوره خسرو پرویز) نزدیک‌تر بوده است. فتوایی که از او نقل شده در زمینه‌های مختلف مسائل حقوقی است که از او به جا مانده و ثبت شده است. با توجه به زمان زندگی وه‌شاپور و فتوای باقی‌مانده از او، به نظر می‌رسد در زمان پادشاهی خسرو انوشیروان نهادی برای رسیدگی به مسائل حقوقی در حال شکل‌گیری بود که در صدد ثبت فتواها و آرای حقوقی و نگهداری آنها بوده است.

همچنین در میان ۴ موبدی که در متن به آنها اشاره شده، برزگ موبد اردشیرخوره در زمان خسرو انوشیروان بود، وی در چندین موضوع فتوا دارد در حالی که از موبدان دیگر تنها در یک موضوع فتوا نقل

<sup>۱</sup>- متن: اسبوع

<sup>۲</sup>- در *نام‌های خاص در کتیبه‌های ساسانی* از چند وه‌رمز نام می‌برد که صاحب مهر بوده‌اند و برخی از آنها، موبد نیز بودند (ژینیو، ۱۹۸۶: ۱۸۰).

<sup>۳</sup>- در *کتاب نام‌های خاص در کتیبه‌های ساسانی* از شخصی با این عنوان نام برده شده است که صاحب مهر بوده و پدر موبدی با نام آذرهوداد (ādur-hudād) است (ژینیو، ۱۹۸۶: ۹۸-۹۹).

شده است (رجوع شود به ۱-۲). این نیز می‌تواند نشان از تفکر ایجاد این نهاد در زمان پادشاهی انوشیروان باشد. احتمالاً شهر اردشیرخوره در این مورد نسبت به شهرهای دیگر پیشرو بوده و شاید این نهاد به صورتی نیمه مستقل در این شهر آغاز به کار کرده بود. با توجه به وجود تعداد بیشتر چهارطاقی‌های زمان ساسانی در شهر اردشیرخوره که می‌تواند ثابت کند این شهر «پایتخت مذهبی شاهنشاهی ساسانی» بوده (وندائی و تاج‌بخش، ۱۳۹۳: ۴۰) شاید بتواند ثابت کند که این شهر همچنین مرکز رسیدگی به امور قضایی و حقوقی در دوره ساسانی نیز بوده است.

در میان ۴۷ مفسر و حقوقدانی که نام آنها در متن آمده، از برخی بیشتر در متن نام برده شده و در مقابل نام برخی نیز تنها یک بار آمده است. بهرام از قضات و مفسران نام‌برده در این متن است، نام او ۲۶ بار آورده شده و در مسائل مختلف و متنوعی به رای و فتوای او اشاره شده است که این می‌تواند نشان‌دهنده تخصص او در زمینه‌های مختلف باشد. پس از بهرام به ترتیب پوسان‌وه آزادمردان ۲۰ بار، سیاوش ۱۷ بار، وای‌یار ۱۴ بار، رادفرخ ۱۱ بار، راداورمزد ۱۰ بار، میدیوماه ۹ بار، مردگ ۸ بار، پوسان‌وه آذرفرنیغان، دادفرخ، زروان‌داد و وه‌اورمزد، هر کدام ۷ بار، ابرگ، پوسان‌وه، پیشگسر و گشن‌جم ۶ بار، نام آنها از همه بیشتر در متن آمده و به فتواهای آنها اشاره شده است. نام ۲۵ تن از مفسران، فقط یک بار ذکر شده که ۲۱ تن از آنان دارای حکم هستند و ۴ تن فتوایی ندارند و فقط به نام آنها اشاره شده است. نام ۶ مفسر نیز ۲ یا ۳ بار آورده و به فتواهای آنها اشاره شده است.

از آنجایی که منطقه جغرافیایی *مادیان هزار دادستان*، منطقه پارس در کل و استان اردشیرخوره به خصوص است، حضور این تعداد از حقوقدانان برجسته و آگاه به مسائل حقوقی و قضایی در این منطقه و همچنین فتواهای گوناگون آنها، می‌تواند بیانگر تشکیل شدن این نهاد حقوقی در دوره گردآورنده آن یعنی زمان خسرو پرویز باشد که این حقوقدانان خبره، در آن مشغول به حل مشکلات حقوقی و رسیدگی به امور قضایی مردم بودند. بنابراین به نظر می‌رسد، کاری که در زمان خسرو انوشیروان آغاز و پایه‌گذاری شده بود در زمان خسرو پرویز به طور کامل انجام شد.

دیگر اینکه این تعداد بسیار حقوقدانان نسبت به تعداد موبدان، می‌تواند نشان‌دهنده این امر باشد که امور حقوقی به وسیله افراد صاحب فن و صاحب‌نظر در امور حقوقی انجام می‌شده و فقط در موارد خاص به موبدان و موبد موبدان ارجاع داده و از آنان فتوا خواسته می‌شده است.

## منابع

- بهار، مهرداد (گزارنده) (۱۳۸۰). *بندهش*، تهران.
- تفضلی، احمد (۱۳۷۸). *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام*، به کوشش ژاله آموزگار، تهران: سخن.
- راشد محصل، محمدتقی (گزارنده) (۱۳۸۵). *وزیدگی‌های زادسپرم*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- داراب هرمزدیار (۱۹۲۲). *روایات*، به کوشش رستم اونوالا، ج ۲، بمبئی.



- عریان، سعید(گزارنده)(۱۳۹۱). *مادیان هزار دادستان*، فرخ مرد بهرامان، تهران: نشر علمی.
- عریان، سعید(گزارنده)(۱۳۷۱). *متون پهلوی*، تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- کریستن سن، آرتور(۱۳۵۱). *ایران در زمان ساسانیان*، چ چهارم، تهران: ابن سینا.
- مزدایور، کتابون(گزارنده)(۱۳۹۰). *شایست ناشایست*، متنی به زبان فارسی میانه، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مکنزی، دیوید نیل(۱۳۷۹). *فرهنگ کوچک زبان پهلوی*، ترجمه مهشید میرفخرایی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- میرفخرایی، مهشید(گزارنده)(۱۳۹۰). *روایت پهلوی*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- میرفخرایی، مهشید(گزارنده)(۱۳۹۲). *بررسی دینکرد ششم*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- وندائی، میلاد و رویا تاجبخش(۱۳۹۳). «اردشیر خوره، پایتخت مذهبی ساسانیان»، دو فصلنامه تخصصی دانش مرمت و میراث فرهنگی، سال دوم، شماره ۱، صص ۱۱-۴۲.
- Anklesaria, B. T.(1964). *Vichitakiha-i Zatsparam with Text and Introduction*. Part I. Bombay.
- Anklesaria, B. T.(1957). *Zand-i Vohuman Yasn and two Pahlavi fragments with text Transliteration and Ttranslation in English*, Bombay.
- Anklesaria, T. D.(1912). *The Social Code of the Parsees in Sasanian Times or the Madigân-i-Hazâr Dâdistân*. Part II. With an intro. By J. J. Modi. Bobay.
- Bulsara, S. J. (1976). *The Laws of the Ancient Persians*. Bobay.
- Davar, M. B.(1912). *ŠAYAST LA-ŠAYAST*, Bombay.
- Dhabhar, B. N.(1913). *The Pahlavi Rivāyat Accompanying the Dādestān ī dēnīg*, Fort Printing press.
- Gignoux, P.(1986). *Noms Propres Sassanides En Moyen-perse Epigraphique*, Wien.
- Jamasp Asana, J. M.(1897-1913). *Pahlavi Text*, Bombay.
- Jamasp, H.(ed.) (1907). *Vendidād. Avesta Text with Pahlavi Translation and Commentary, and Glossarial Index*. Vol. I, II, Bombay.
- Justi, F.(1963). *Iranisches Namenbuch*, Marburg.
- Kapadia, D. D.(1953). *Glossary of Pahlavi Vendidād*, Bombay.
- Kotwal, M. F. and Ph. G. Kreyenbroek(1992). *The Hērbedestān and Nērangestān, Volume I, Hērbedestān*, Paris.
- Kotwal, M. F. and Ph. G. Kreyenbroek(1995). *The Hērbedestān and Nērangestān Volume II, Nērangestān* Fragard 1, Paris.

- Kotwal, M. F. and Ph. G. Kreyenbroek(2003). *The Hērbedestān and Nērangestān Volume III, Nērangestān*, Fragard 2, Paris.
- Madan, D. M.(ed.), (1911). *The Complete Text of Pahlavi Dinkard*, II, Bombay.
- Macuch, M.(1981). *Das sasanidische Rechtsbuch "Matakdan i hazar datistan"*. (Teil II). Wiesbaden.
- Macuch, M.(1993). *Rechtskasuistik und Gerichtspraxis zu Beginn des siebenten Jahrhunderts in Iran*. Wiesbaden.
- Macuch, M.(2005). "Mādayān ī Hazār Dādestān". in *Encyclopædia Iranica*. → <http://www.iranicaonline.org/articles/madayan-i-hazar-dadestan>.
- Modi, J. J.(1901). *Mādigān-ī Hazār Dādistan. A Photozincographed Facsimile of a Ms. belonging to the Mānockji Limji Hoshang Hâtâria Library in the Zarthoshti Anjuman Ātashbeharâm*, Poona.
- Perikhanian, A.(1997). *The book of a thousand gudgement (A Sasanian law-book)*, tr. Nina Garsoian, New York.
- Perixanjan, A.(1973). *Sasanidskii Sudebnik Kniga Tysiachi Sudebnykh Reshenii (Matakdan i hazar dadastan)*, Erevan.
- Shaki, M.(2009). "Judicial and Legal System ii. Parthian and Sasanian Juddicial System". in *Encyclopædia Iranica*. Vol. XV, Fasc. 2, pp. 177-180. London- New York.

س س ا ر

---